

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

انینة ایران

شباهنگ راد  
۲۷ جنوری ۲۰۱۵

## کدام راهکار ثمربخش و صحیح است؟

ثمربخشی و پیروزی هر سیاست انقلابی، بسته به درک قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه و در انتخاب صحیح راهکار آن دارد. پیرامون راهکارهای انقلابی - کمونیستی، در درون نیروهای چپ خارج از کشوری، نظرگاه‌های متفاوتی موجود است و در دو حوزه، می‌توان این موضوع را مورد کنکاش و بررسی قرار داد. در حوزه تئوری (نظر) و پراتیک (عمل). البته ورود به بحث دوم - یعنی در حوزه پراتیک - ناصحیح‌ست. به دلیل و یا به تعبیری، به چند دلیل روشن، لازم و جایز نیست تا در حول و حوش آن سخنی به‌میان آورد. چرا که "احزاب" و "سازمان‌ها" در درون حضور ندارند و نیروها و تجمعات بدون حضور عملی، قادر به سامان‌بخشی مبارزات کارگری - توده‌نی نیستند. بنابه چنین حقایق تأسف‌باری‌ست، تأکید می‌گردد که نمی‌توان، پی به نقصان‌های عملی کار برد و دقیق، صحت و سقم آن را شناخت. به هر حال آن‌چه در موقعیت کنونی می‌تواند تا اندازه‌ای مثمر ثمر واقع گردد، دستیابی به تئوری انقلاب و به تبع آن تبلیغ ایده و راهکار صحیح به‌منظور برون‌رفت از زیر سلطه نظام‌های امپریالیستی و خشن می‌باشد.

پُر واضح است که تاریخ انقلابات جهانی، با فعالیت گام به‌گام و با دخالت‌گری‌های سیاسی نمایندگان طبقه کارگر و دیگر اقلیت‌ها ستم‌دیده جامعه رقم خورده است؛ انقلاباتی که مناسبات دلخواه طبقه حاکمه را در هم ریختند و مردم را از زیر مظالم امپریالیستی نجات دادند. طبعاً هیچ انقلاب و جنبشی بدون انتخاب تئوری تعرضی و عملی، به نتیجه و به سر منزل مقصود نخواهد رسید و در این‌میان، ضمانت و پیش‌روی جنبش ایران هم، با کار بست و با انتخاب راه‌های عملی آن گره خورده است. در حقیقت نبض اصلی مبارزه، با حضور و با پراتیک خواهد تپید و بدون برخورد عملی سازمان‌ها و احزاب مدافع توده‌های ستم‌دیده با ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی، کار و بار انقلاب در دست‌های انداز‌های طبقه ظالم، گیر خواهد کرد. بی‌دلیل هم نیست که سرمایه‌داری در اقصا نقاط دنیا و آن‌هم به یمن زور و سرکوب، و به پاس چپاول و غارت اموال عمومی، حاکمیت بناحقش را تداوم می‌بخشد و جنبش‌های اعتراضی را پس می‌زند؛ زور و سرکوبی که به سیاست روتین و روزمره نظام‌های امپریالیستی و رژیم‌های وابسته‌ای همچون رژیم جمهوری اسلامی تبدیل گردیده است.

اگر بخواهیم خط قرمز بر روی تجارب گذشته بکشیم و صرفاً، موقعیت فعلی جنبش‌های اعتراضی کل جهان و به ویژه منطقه خاورمیانه را شاهد بگیریم، آن‌وقت می‌توانیم پی ببریم که کدامین راه و روش، در روحیه مبارزاتی

کارگران و زحمت‌کشان و همچنین در روحیه نیروهای کمونیستی و جوان، اثر مثبت خواهد گذاشت و در عوض، کدامین راه، مأیوس‌کننده، عقب‌گرد، هزینه‌پرداز و خسران‌زاست؛ می‌توانیم و به صراحت اعلام نمائیم، که کدامین راه، تضمین‌کننده و پایانی‌ست و کدامین راه، در خدمت به ناکامی‌ها و دل‌سردی‌هاست.

برای فهم و درک بیشتر و اثبات این موضوع، به جنبش مسلحانه کوبانی نگاهی بیندازیم و ببینیم که تا چه اندازه - و در همین چند هفته و علی‌رغم کمی و کاستی‌های عریان -، توانسته است نگاه اکثریت قریب به اتفاق نیروهای چپ خارج از کشوری و جهان را به سمت خود جلب نماید و به اثبات برساند، که تنها یک نیرو و خلق مسلح است که می‌تواند دشمنان طبقاتی محرومان را از محیط و از خانه و کاشانه‌شان پس زند و صفحه جدیدی در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی توده‌های ستم‌دیده بگشاید. آری، مبارزه مسلحانه مردم کوبانی، بعضاً "سازمان‌ها" و "احزاب" را وادار نموده است - تا علی‌رغم بی‌باوری‌شان از این شکل از مبارزه -، به دفاع از آن برخیزند و در وصف آن، بگویند و بنویسند، کمپین‌ها به‌راه بیندازند، شعرها و سرودها بسرایند.

براستی و فارغ از نتایج مثبت و ثمربخشی عریان جنبش مسلحانه کوبانی، این سؤال طرح است، چرا چنین راهکاری - یعنی مبارزه مسلحانه - مورد توجه و همچنین مورد قبول همه نیروهای چپ خارج از کشوری قرار گرفته است؟ دلیل این همه حمایت و تأیید از چنین شکل مبارزاتی در چیست؟ چه تفاوت ماهوی و اساسی مابین دولت‌های سرمایه و همچنین نیروهای وابسته به ظالمانی همچون داعش وجود دارد، که جنبش کوبانی و این‌روزها، محق به استفاده از این شکل از مبارزه می‌باشد و در عوض، جامعه و نیروهای مدافع مردمی ایران و دیگر جوامع خاورمیانه، مجاز به پرهیز از آنند؟ به باور آنان تفاوت‌های اصلی و کلیدی در چیست؟ مگر به‌غیر از این است که ساختار و قانون‌مندی‌های حاکم بر جوامع متفاوت، مولد اشکال سازمانی - تاکتیکی‌ست و تنها با کار بست عالی‌ترین شکل از مبارزه است که می‌توان طبقه کارگر و زحمت‌کش را از شر نظام‌های امپریالیستی رها ساخت؟

طبعاً پاسخ این دست پرسش‌ها را به عهده مخالفان "خشونت" و یا به عبارت دیگر، به مخالفان این شیوه از مبارزه خواهیم گذاشت و در انتظار خواهیم بود، تا هر یک و به سهم خود، هم، ناهمسانی‌ها و ناهمگونی‌های آن‌ها را بر شمارند و هم، جنبش‌های اعتراضی ایران و به ویژه جنبش روشن‌فکری را به مسیر صحیح رهنمون سازند. به هر حال آنچه از ظواهر امر - و در حقیقت باطناً - پیداست، تفاوتی در دنیای فعلی و به ویژه در جوامع منطقه خاورمیانه نیست و به‌عینه و به‌طور روزانه مشاهده می‌کنیم که همه این دولت‌ها، با منطق و با زبان واحدی با جنبش‌های اعتراضی و با مطالبات کارگری - توده‌ای و خلق‌ها سخن می‌گویند؛ همه اموال عمومی را به یغما می‌برند و همه به سرکوب بدیهی‌ترین خواسته‌های توده‌ای می‌پردازند. به عراق و به افغانستان، به ترکیه و به پاکستان و غیره نگاهی بیندازیم تا به تحركات واحد و مسلحانه این دولت‌ها در قبال بدیهی‌ترین خواسته‌های توده‌های ستم‌دیده پی ببریم و نشان دهیم که رژیم جمهوری اسلامی هم به‌مانند دیگر رژیم‌های سراسر خشن و هار منطقه، در همان مسیر و راهی در حرکت است که دولت سوریه و دیگر نیروها و دار و دسته‌های ارتجاعی وابسته به قدرت‌های بین‌المللی در پی انجام آنند.

به سخن عیان‌تر، نزدیک به چهار دهه‌است که رژیم جمهوری اسلامی، حاکمیت خود را مدیون بگیر و ببندهای توأم با گشت و گشتار انسان‌هاست؛ نزدیک به چهار دهه‌است که قدرت‌مداران بزرگ بین‌المللی، این نظام را بر سر کار گمارده‌اند تا منفعت طبقه سرمایه‌داری را حفظ نماید؛ نزدیک به چهار دهه‌است که سران رژیم، جامعه را به جهمی برای میلیون‌ها انسان محروم تبدیل و هر گونه اعتراضی را، شدیداً تار و مار نموده‌اند. میلیون‌ها گشته و آواره، ماحصل سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی‌ست. گشتار وحشیانه خلق رزمنده گرد و ترکمن‌صحرا و متعاقباً، به

خاک و خون کشاندن کارگران و زحمت‌کشان به بهانه مبارزه با "ضد انقلاب" و "اجنبی"، ماحصل آن نظامی‌ست که دولت اسد و اردوغان، در پی انجام آن و آن‌هم در حق کارگران و زحمت‌کشان ترکیه و سوریه‌اند. اسناد موجود و تلبار شده، و همچنین کارکرد روزانه این نظام‌ها، در خلافِ درستی این نظر نیست که همه این دولت‌ها، حکومت‌ها و نمایندگان‌شان و از جمله جناح‌های متفاوت رژیم جمهوری اسلامی، به دنبال همان سیاست و راهی‌اند که طبقه سرمایه‌داری، به آنان، دیکته نموده است. سران این نظام‌ها و از جمله سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، می‌گیرند و می‌کشند تا مبادا، خدشه‌ای در کارکرد و در سیستم موجود وارد شود. ماندگاری این رژیم‌ها و همچنین رژیم جمهوری اسلامی در انتخاب سیاست زور، روزمره است، بنابراین، ورود عملی به جنگ‌های تحمیلی نظام‌های سرمایه‌داری و از جمله سازمان‌دادن جنگ از نوع کوبانی - و آن‌هم با هدایت و با مدیریت کمونیستی -، از جانب مدافعان حقیقی توده‌های ستم‌دیده ایران، نه تنها ناصحیح نبوده و نمی‌باشد، بلکه تعلق و تأخیر در آن، باعث درازتر نمودن عمر رژیم جمهوری اسلامی و همچنین افزونی بیش از این، خسران‌های جنبش‌های به‌حق اعتراضی کارگری - توده‌نی‌ست.

خلاصه این‌که رژیم جمهوری اسلامی تا بُن و دندان مسلح است و تاکنون پائین‌ترین خواسته‌ها و اعتراضات دانشجویی - توده‌نی را با زور و گلوله پاسخ داده است، و بی‌تردید زمانی می‌توان در مقابل رژیم هار و خشن ایستاد و از جان و مال کارگران و زحمت‌کشان دفاع نمود، که با سیاست و با نیروی سلاح به‌میدان آمد. منطق و زبان جمهوری اسلامی در قبال مطالبات توده‌نی، سرکوب و سلاح‌ست و در مقابل، سازمان و حزب مدافع کارگران و زحمت‌کشان، تنها با کاربرد زور سازمان‌یافته است که می‌تواند طول عمر سران حکومت را، کوتاه‌تر، و آنان را به جایگاه واقعی‌شان پرتاب نماید. جنبش مسلحانه کُردستان در سه ساله اول حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی - و علی‌رغم انحرافات نظری - عملی -، مؤید این واقعیت است که نشاط و سرزندگی هر جنبشی، با انتخاب روش و کارساز مبارزاتی گره خورده است؛ کار و سیاستی که این‌روزها مردم محروم کوبانی در مقابل خود قرار داده‌اند و باعث مفتخری دیگر جنبش‌های اعتراضی و تمامی نمایندگان سیاسی آن‌ها شده‌اند. بنابراین و با وجود چنین ثمربخشی مبارزه، نه تنها اعلان و تبلیغ این نظر (تئوری) و به ویژه این شکل از مبارزه، به نابجا نیست، بلکه بجاست و به سهم خود باعث خواهد گردید تا جنبش‌های توده‌نی - روشن‌فکری، مسیر صحیح خود را باز یابند.

دی [جدی] ۱۳۹۳

جنوری ۲۰۱۵